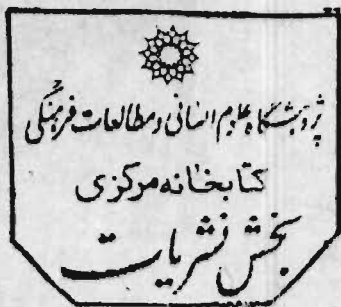


# گفتگو با یوهان گالتونگ

## صلح آموزی فقط هنگامی معنا دارد که

## به عمل بینجامد



### ■ پژوهشهای صلح آمیز چگونه پایه ریزی می‌شوند؟

— برای درک صلح و خشونت ما باید نیازهای ابتدایی انسان — برای بقا، رفاه، آزادی و هویت — را در نظر بگیریم. هدف توسعه برآوردن آن نیازهاست: خشونت آنها را زیر پا می‌گذارد: صلح آنها را محترم می‌شمارد.

به نظر من سه نوع خشونت و از این رو، سه نوع صلح وجود دارد: مستقیم، ساختاری و فرهنگی. خشونت مستقیم نیازهای انسانی را به قصد آزار و اذیت زیر پا می‌گذارد؛ خشونت ساختاری غیرمستقیم تر از این عمل می‌کند. خشونت فرهنگی نمادین است و به آن جنبه‌هایی از فرهنگ ما اشاره دارد که به خشونت مستقیم یا ساختاری مشروعیت می‌بخشد.

این سه پنداشت را می‌توان به شیوه دیالکتیک با ضد آنها — صلح مستقیم، صلح ساختاری، صلح فرهنگی — آموخت. توجه به فقط یکی از آنها، معنایی ندارد. کشمکش بخشی از یک مجموعه دوگانه است: هم خلاق و هم ویرانگر است. در عمق یک کشمکش یک یا چند تناقض یا ناسازگاری وجود دارد. هنگامی که به صورت خلاق با آن برخورد شود می‌تواند نیروی محرکه پیشرفت اجتماعی و اخلاقی انسانی باشد. گاندی، منبع الهام سرشاری از عدم خشونت خلاق، از لحاظ فکری و عملی، برای هر دو طرف کشمکش است.

### ■ پژوهشهای صلح آمیز از چه زمانی تبدیل به یک رشته دانشگاهی شد؟

— در حدود اواخر دهه ۱۹۶۰ و اوایل دهه ۱۹۷۰. اکنون در

پروفسور یوهان گالتونگ اهل نروژ، یکی از پایه گذاران پژوهشهای مدرن برای صلح است. وی مؤسسه بین‌المللی پژوهش صلح (PRIO) را در ژانویه ۱۹۵۹ در اسلو، و مجله پژوهش صلح را در ۱۹۶۴ بنیان نهاد. تا به حال بیش از ۷۰ عنوان کتاب از او انتشار یافته که تازه‌ترین آنها کتاب زیر است:

*Peace by Peaceful Means: Peace and Conflict, Development and Civilization*  
(Sage Publication / PRIO, 1996).

در اینجا یوهان گالتونگ به عنوان یک نظریه پرداز صلح و یک کوشنده در راه صلح، درباره انگیزه‌های فعالیتهای خویش با ناتاشا باتیک گفتگو کرده است.

### ■ منظور از پژوهش درباره صلح چیست؟

— هدف عمده آموزش صلح، پرورش و توانا کردن مردم است تا با خلاقیت بیشتر و خشونت کمتر به حل مناقشات بپردازند. منظور من از آموزش صلح این است که خود نیازمند به دانش و مهارتها، نظریه و عمل فراوان است. پژوهشهای صلح آمیز نوعی دانش اجتماعی کاربردی است، درست مثل تشریح، روانشناسی یا آسیب‌شناسی کاربردی که فقط هنگامی می‌تواند معنا داشته باشد که به عمل بینجامد. هدف، کتاب بیشتر نیست بلکه صلح بیشتر است.

به این کار دست می‌زنند و گاهی موجب صدمه می‌شوند. بیشترشان بیش از مقداری مطالعه دانشگاهی به واقعیت نزدیک نمی‌شوند. (البته، برای آنها هم فرصت هست.) اما نمی‌توان با قاطعیت گفت که پژوهشهای صلح‌آمیز باید آدمهای معمولی جوامع شهری را به عمل متمایل سازد یا آنان را توانمند کند.

### ■ نظرتان درباره این چیست که می‌گویید لزوماً نباید از کشمکش پرهیز یا آن را سرکوب کرد، اما خشونت و ویرانگری دخالت مثبت را می‌طلبد؟

— این بدیهی است. به یک معنا شبیه این است که بگوییم «لزوماً نباید از هوا پرهیز یا آن را سرکوب کرد، اما باید خود را از هوای ویرانگر یا شدید در امان نگه داریم.» این مرا به یاد سیاستمداران و دیپلماتهایی می‌اندازد که وقتی درباره «کشمکش» صحبت می‌کنند در واقع منظورشان «خشونت» است، و زمانی که درباره «صلح» حرف می‌زنند، منظورشان «آتش‌بس» است. این گونه حرفهای خالی از دقت مانع می‌شود تا مردم یک کشمکش را، پیش از آنکه به خشونت مستقیم بکشند، مورد توجه قرار دهند — و بعد آنها فقط جنبه منفی و ویرانگرش را می‌بینند. همچنین غالباً این خطای کلی در دیدن این واقعیت وجود دارد که وضعیت پس از آتش‌بس معمولاً بدتر از زمان پیش از بروز خشونت است و علتش هم لطمه آشکار خشونت به مثلاً ساختار و فرهنگ است.

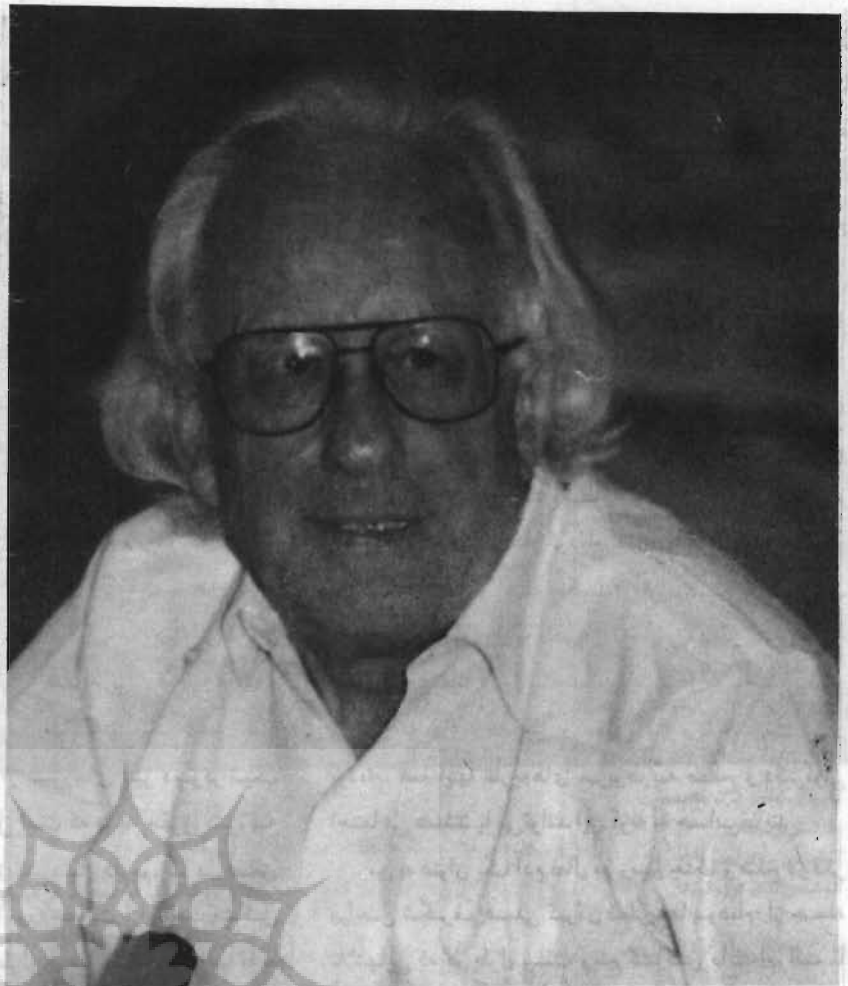
### ■ آیا تفاوتی بین دخالت مثبت و حفظ صلح، ایجاد صلح یا برقراری صلح هست؟

— مسلماً هست! من ترجیح می‌دهم که مردم خود توان مداخله در امور خود را پیدا کنند تا آنکه مثلاً دخالت از بالا و توسط دیگران صورت گیرد. دخالت مثبت باید خلاق، عاری از خشونت و محکم باشد. مردم باید بدانند چگونه این کار را انجام دهند.

### ■ در مورد اعمال صلح چه احساسی دارید؟

— این آخرین چاره است، مثل قطع عضو از سوی یک جراح است. این اصطلاح بوی خشونت می‌دهد، و تا آنجا که من تجربه دارم خشونت خشونت بار می‌آورد، حال هر قدر هم که شورای امنیت قطعنامه بدهد و «دموکراسیهای پیشرفته» از آن پشتیبانی کنند.

■ یک تعریف حل مناقشه به کار بردن مناقشه به نحو خلاق و غیرویرانگرانه به منظور تشویق دگرگونی اجتماعی لازم است. آیا دگرگونی اجتماعی یک بخش ذاتی تجربه انسانی است؟ — از نظر من «مذهب تائو» پاسخ این پرسش را داده است.



سراسر دنیا، این موضوع به شکلهای مختلف در بیش از ۵۰۰ دانشگاه و کالج وجود دارد، اما عمدتاً به عنوان موضوعی نظری و آمیخته به گرایش ادبی.

دو مرکز عمده پژوهش صلح‌آمیز عبارت‌اند از مرکز دانشگاهی اروپایی برای پژوهشهای صلح‌آمیز (EPU)، و بویژه دوره‌های مربوط به حفظ صلح به طریق غیرنظامی در مرکز پژوهشی اتریش برای حل صلح و جنگ در اشلاپینگ در جنوب وین (که در سال ۱۹۹۵ جایزه یونسکو برای صلح‌آموزی را برد)، و مؤسسه مربوط به حل و تجزیه و تحلیل جنگ در دانشگاه میسون در فرفکس، ویرجینیا (ایالات متحد). در این دو مؤسسه نظریه و عمل دوشادوش یکدیگر قرار دارند. اما جاهای دیگری هم کم‌کم دارد راه می‌افتد. ما دست کم به ۱۰۰۰ مرکز از این قبیل یا دست کم ۱۰/۰۰۰ فارغ‌التحصیل در هر سال نیاز داریم.

### ■ چه نوع روشهای آموزشی به کار برده می‌شود؟

— این روشها با آنچه در پزشکی به کار می‌رود تفاوتی ندارند. کار نظری باید با پژوهشهای موردی و عمل درهم بیامیزد، اما دانشجویان فقط وقتی آمادگی یافتند باید به محل کشمکش بروند. بسیاری، به صورت آماتور یا غیرجدی، پیش از موقع



یوهان گالتونگ

تضاد ذاتی زندگی است، و از این رو کشمکش در همه جا حضور دارد. نیازها و آرزوهای انسانی بی‌نهایت پیچیده است. جامعه ساده‌تر است، ساختار آن براساس فرمولهای عمیق فرهنگ شکل گرفته است و قادر نیست که همه آن نیازها و آرزوها را برآورده کند. بعضی از آنها ناکام می‌مانند و تناقضها از اینجا مایه می‌گیرند. دیر یا زود، اینها در رفتار و شیوه‌های برخورد نمایان می‌گردند و به کشمکش اجتماعی می‌انجامند. دگرگونی اجتماعی، برای حل بعضی مشکلات، حتی به بهای وجود آوردن مشکلات دیگر، ضرورت دارد. این فرایند تاریخ نامیده می‌شود.

### ■ دگرگونی اجتماعی چه وقت ضرورت دارد؟

— هنگامی که نیازهای زندگی انسان و حیات به طور کلی مورد توهین قرارگیرد یا تهدیدی در کار باشد، و زمانی که این فرایندی ساختاری / فرهنگی باشد، یعنی صرفاً نتیجه هوا و هوس بعضی حاکمان یا گروه حاکم نباشد. کشورهای دموکراتیک این کار را بهتر از کشورهای غیر دموکراتیک انجام می‌دهند. به همین دلیل است که ما به حقوق بشر، به تمام منشور بین‌المللی حقوق بشر، نیاز داریم، تا در عمق جوامع رخنه کند و اقلیتها را مورد حمایت قرار دهد. مشکل این است که ما تا به حال فقط از غرب پاسخ شنیده‌ایم؛ ما به مشارکت تمدنهای دیگر هم نیاز داریم.

### ■ نظریه خود شما درباره دگرگونی اجتماعی چیست؟

— من هرگز نمی‌توانم فقط دربند یک نظریه باشم؛ می‌کوشم تا نظریه‌ای التقاطی داشته باشم. پژوهشهای صلح‌آمیز آدمها را به همه گونه راههای اصلی و فرعی می‌کشاند. راه دراز است و عمر کوتاه (Ars longa, vita brevis). نظریه‌های من تا حدی پیچیده است، و در هر مورد مشخص بنا به ضرورت، بسیاری از آنها — و نظریه‌های دیگر — را، به گونه‌ای التقاطی، مورد استفاده قرار می‌دهم.

در اواخر دهه ۱۹۵۰ و اوائل دهه ۱۹۶۰ من روی نظامهای همساز سلسله‌مراتبی، فتودالی و نظامهای ناهمساز کار می‌کردم تا جایگاه منابع دگرگونی اجتماعی را مشخص کنم و به نحوی این کار را انجام می‌دهم که در آن ساختارهای هماهنگ جهانی به صورت ساختارهای بسیار مستحکم امپریالیستی درمی‌آید، مشخص کنم.

از آن هنگام مشغول کار در زمینه شکل‌های گوناگون خشونت، آشکار و ناآشکار، و همتهای صلح‌آمیز آنها بوده‌ام؛ و روی جنبه‌های نظری و عملی توافق پس از خشونت و نیز روی فرهنگهای عمیق در تمدنهای گوناگون یا چنانکه من اسمشان را گذاشته‌ام، کیهان‌شناسیهای اجتماعی، تا کوششی کرده باشم برای ردیابی تأثیر آنها بر کلان تاریخ

(Macro-history)، بویژه برای صلح و جنگ و توسعه، از جمله نابودی بافت اجتماعی، ارزشها و معیارهایی که امروز تا این حد رایج است. توجهم همچنین معطوف به کیهان‌شناسیهای آسیب‌شناختی و درمانهای ممکن بوده است؛ به ناآگاه جمعی ملت‌های مختلف، و به جنبه‌های سخت — نرم و متعالی — ذاتی مذاهب و دیگر مظاهر فرهنگی.

در فلسفه توجهم به تفکر یقینی در «غرب» و نقش آن در آرمانشهرخواهی و بنیادگرایی است؛ بویژه چنانکه در ایدئولوژی عمده امروز غرب، اقتصادگرایی مبتنی بر تجزیه و تحلیل خودمدارانه هزینه — سود، جلوه‌گر است. در علوم سیاسی در زمینه اصل نظام دولت از دوران فتودالی و آسیب‌شناسیهای آن کار کرده‌ام. در اقتصاد توجه ویژه‌ای به بروینها داشته‌ام، و اینکه چگونه می‌توانند، در چهارچوب نظریه‌های تجاری نوین، هم در داخل و هم بین کشورها، به شیوه‌ای منصفانه درونی شوند. من به عنوان یک آینده‌گرا، در اندیشه نظامهای اجتماعی و جهانی بهتر و با خشونت کمتر بوده‌ام. همه اینها نظریه‌های مربوط به صلح و دگرگونی اجتماعی هستند یا می‌توانند این گونه به حساب بیایند.

من به عنوان یک آدم فعال در زمینه جنگ و صلح در فکر مراحل شگرف عملی کردن نظریه‌ها بوده‌ام؛ از جمله تلاشهایی که در طول بیست و پنج کشاکش داشته‌ام، البته تا لحظه کنونی.

### ■ آیا دگرگونی اجتماعی می‌تواند از یک جنبش

عنوان «بنیادگرایی» بی‌اعتبارش کنند. ما از این چیزها فزون و فراوان خواهیم داشت، زیرا همچنانکه به نام جهانی کردن، به ویران کردن فرهنگها و بافتهای اجتماعی کهن ادامه می‌دهیم، جامعه‌های از کوچیان تهی شده به وجود می‌آوریم. چیزی که من آن را مثله کردن (atomie) می‌نامم.

### ■ سازمانهای بین‌المللی در این میان چه نقشی می‌توانند داشته باشند؟

— با توجه به آسیب‌شناسیهای نظام دولتی، بویژه رفتار مبتنی بر خودشیفتگی و پارانویای بعضی «قدرتهای بزرگ»، به نظر من برای سازمانهای غیردولتی (NGOs) امکانات بیشتری وجود دارد تا سازمانهای بین دولتی. فکر می‌کنم نقش سازمان ملل در میدان دادن به سازمانهای غیردولتی در کنفرانسهای مهم سازمان ملل، کنشی نبوغ‌آمیز بود. جامعه متمدن جهانی ما، فضای جهانی همگانی ما، همین است. سازمانهای غیردولتی باید با اثرات نابودکننده‌ای مبارزه کنند که بازارهای آزاد ظاهراً دارند، از جمله انعطاف‌پذیری کار در سطحی جهانی. این نظام اکنون بیکاری و فلاکت گسترده‌ای، در مقیاسی غیرقابل تصور به وجود آورده است، و می‌کوشد تا همه بدیلها را از میان ببرد. از سوی دیگر، چنانکه در بالا



پوهان گالتونگ در  
یک همایش صلح.

یعنی نبود ارزشها و معیارهای محکم. آدمها در این صورت در پی منابع نوین معنا می‌گردند، و بسیاری آنها را در چیزی می‌یابند که دیگران فرقه‌گرایی می‌خوانندش و می‌کوشند به کارکنان کودکان، میلیونها آدمی که در مدارس ابتدایی و مدارس دیگر تدریس می‌کنند، آدمهای مذهبی در کلیساها، مسجدها و معبدها، کسانی که سازمانهایی را به شیوه مشارکتی اداره می‌کنند، و بسیاری دیگر، آموزگاران اصلی هستند. اما در مواردی پیامهای آنها خشن، انحصارطلبانه و انباشته از تنفر است.

### ■ یک شکل جهانی ارتباطی که به‌طور برابر در دسترس همگان نباشد، چه تأثیری دارد؟

— تا به حال شکلی از ارتباط وجود نداشته است که کاملاً در دسترس همگان باشد. دامنه، سرعت و حجم آن همیشه نابرابرانه توزیع شده است. اما، اگر دیگر کالاهای اجتماعی مثل آموزش و پول به صورت معقولی توزیع شود، بعد از آن نوبت ارتباطات می‌رسد، مثل تلفنهای قرمزی که در همه جای ژاپن تقریباً در دسترس همگان است. بیشترین نگرانی من مربوط به ارتباط یکسویه مثل تلویزیون است، و نیز میزان عظیمی از اطلاعات نادرستی که از آن طریق انتقال می‌یابد، و همه واقعیتهای مجازی که باعث می‌شود ما با آن دسته از واقعیتهایی اشتباه بگیریم که در آن آدمهای حقیقی واقعاً با رنجها و شادیهای واقعی‌شان رو به‌رو هستند. دنیایی که ما در آن زندگی می‌کنیم این است و پژوهشهای صلح‌آمیز می‌کوشد تا با مجموعه‌ای از مشکلات مبارزه کند و آن خشونت است. ارتباط یکی از این ابزارهاست. آموزش، رسمی و غیررسمی، وسیله دیگری است که من آن را منبعی از نور در این قرن تاریکمان می‌دانم.

اشاره کردم، این بدیلها خود مسائل تازه‌ای را پیش می‌آورند که آنها نیز باید جدی گرفته شوند. زندگی همین است.

### ■ چه می‌توان کرد تا آموزش عدالت و صلح از اساس کارآمد باشد؟

— به نظر من بیشتر این آموزش نامرئی است. هنوز مادران،

### طبیعی و خودانگیخته مایه بگیرد؟

— گاهی دگرگونی طبیعی و خودانگیخته است؛ گاهی خیلی آگاهانه است. گاهی خشن و گاهی خالی از خشونت است. من به دگرگونی آگاهانه اعتقاد دارم تا رنج و حرمان یادوکا (dukkha) را کاهش دهد و موجب شادی و روشن‌بینی یا به قول بودایی‌ها (sukha) گردد. این به خودی خود به دست نمی‌آید و فعالیت در این راه خود نوعی سوکا است.

### ■ آیا بشر محکوم به زندگی در یک بحران مداوم است؟

— نه، مشکلات بله، اما بحران نه. دلیلی ندارد که فاجعه‌اندیش باشیم. بعضی مشکلات، حتی بحرانها، حل شده‌اند؛ بعضی دیگر، پیش می‌آیند، خوشبختانه در یک سطح بالاتر، گرچه اطمینان چندانی ندارم.

### ■ چگونه می‌توانیم پیام‌های ما را به دور اندازیم و با نو به آرامی کنار بیاییم؟

— فکر نمی‌کنم ضرورتی داشته باشد. نکته نه در نو / کهنه که در دوکا سوکا است. راهبه‌های یک صومعه نسبت به کسانی که در بند تعلقات هستند، اغلب در این باره بیشتر می‌دانند. با این همه فکر نمی‌کنند حقیقتی که دریافته‌اند فراگیر است. من اعتقاد راسخی به چندگرایی دارم، نه فقط در قلمرو اندیشه‌ها بلکه در زمینه شکل‌بندیهای اجتماعی، البته تا آنجا که خالی از خشونت هستند. مشکل بنیادی این نیست که چیزهایی انجام دهیم که نمی‌توان انجام داد. عمل ما باید برگشت‌پذیر باشد. ممکن است ما در اشتباه باشیم. اگر ما عملی برگشت‌ناپذیر انجام دهیم که اشتباه هم باشد، برای کسانی که پس از ما می‌آیند زمینه خشونت ایجاد می‌کنیم. برگشت‌پذیری از دید من راهنمایی بسیار بهتر از فراگیری است. عدم خشونت از این اصل پیروی می‌کند، زیرا ما نمی‌توانیم زندگی را بازآفرینی کنیم.

### ■ هنگامی که مناسبات نقشهایی که بنا به سنت تعیین می‌شود، فرو ریخته باشد، نقش فرهنگ به عنوان ابزاری برای تفاهم و ارتباط چیست؟

— این گونه فروریزی همیشه هست، و نتیجه چیزی است که دورکم Durkheim آن را بی‌هنجاری (anomie) می‌خواند.

## ماهنامه پیام یونسکو

نشریه‌ای که به ۳۰ زبان و خط بریل فارسی و زبانهای دیگر در جهان منتشر می‌شود.

بنا بر توافق یونسکو (سازمان تربیتی، علمی و فرهنگی ملل متحد) با کمیسیون ملی یونسکو در ایران منتشر می‌گردد.

مدیر مسئول: دکتر جلیل شاهی

سرپرست کمیسیون ملی یونسکو در ایران

مدیر: هادی غبرائی ویراستار: مصطفی اسلامی

لیلا جوادی متقی (حروفچینی)

محمد قره‌چمنی (امور فنی)، عزیزه پنجویی (تصحیح)،  
اصغر نوری (تنظیم صفحات و امور چاپ)  
چاپ و صحافی: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی

انتشار مقالات، تفاسیر، آرا و تصاویر این  
مجله دال بر تأیید یا صحت کامل مطالب نیست

نشانی: تهران، خیابان انقلاب، چهارراه فلسطین،

شماره ۱۱۸۸، کدپستی: ۱۳۱۵۸

تلفن دفتر نشریه پیام: ۶۴۱۲۱۸۲

تلفن امور مشترکین: ۶۴۶۲۲۰۹، ۶۴۶۲۲۲۳ داخلی ۲۸۴

مدیر: بهجت نادای سردبیر: عادل رفعت

هیئت تحریریه (پاریس)

انگلیسی: روی ملکن، فرانسوی: ان لوک، اسپانیایی:  
آرمانی اورتیس د اورینا، بخش گزارشی: یاسینا شویو  
واحد هنری / تولید: ژرژ سرو، مصورسازی:

آریان بلی (تلفن: ۴۵ ۶۸ ۴۶۹۰)، اسناد: خوزه بانگ

(تلفن: ۴۵ ۶۸ ۴۶۸۵)، رابط مطبوعاتی: سولاژ بلن

(تلفن: ۴۵ ۶۸ ۴۶۸۷)، دبیرخانه: آتی برات

(تلفن: ۴۵ ۶۸ ۴۷۱۵)، دستیار اجرایی: ترزا پینک

گزینش مطالب برای خط بریل در زبانهای انگلیسی، فرانسوی،

اسپانیایی و کره‌ای: (تلفن: ۴۵ ۶۸ ۴۷۱۴)

مشاور هنری: اریک فروزه

سردبیران زبانهای دیگر

روسی: ایرینا اونکینا (مسکو)، آلمانی: دوینیک آندرس

(برن)، هندی: لوزی عبدالظاهر (قاہرہ)، ایتالیایی: آناکیرا

بوتونی (رم)، هلندی: بارت کریستیانس (آنتروپ)

تامیل: محمد مصطفی (مدرس)، هندی: گنگه برات

ویمال (دهلی)، پرتغالی: لژیرو آگوس دابرو (ریودونانیرو)

اردو: جاوید اقبال سعید (اسلام آباد)، کاتالان: خوان کاره‌راس

ای مارتی (بارسلون)، مالزیایی: سیدین احمد اسحاق

(کوالالمپور)، کره‌ای: کانگ وو - هیون (سئول)

سواحلی: لئونارد ج. شوما (دارالسلام)، هوسا: حبیب‌الحسن

(سوکوتو)، بلغاری: دراگویر پتروف (صوفیه)، یونانی:

سوفی کوستوپولوس (آتن)، سینهایلی: نوبیل پادیکانا

(کولومبو)، فنلاندی: ریتا سارینن (هلسینکی)، پاسک:

خوستو آگایا (دوناستیا)، تای: دوآنکیپ سورنتاپ (بانکوک)

ویتنامی: دو فرئونگ (هانوی)، پشتو: ناظر محمد انگار

(کابل)، چینی: فنگ مینگ شیا (پکن)، اسلوونی: الکساندرا

کوره‌ادزر (لیوبلیانا)، اوکراینی: ولودیمیر واسیلیوک (کیف)

گالیسی: خاویر سنن فرانسدس (سانتیاگو دکومپوستلا)

آدرس دفتر مرکزی (پاریس)

31, rue Francois Bonvin, 75732 Paris.

Cedex 15, France, Fax: (33 1) 45 68 57 41

نقل مقالات و چاپ عکسهایی که استفاده از آنها محفوظ  
اعلام نشده باشد با ذکر عبارت «نقل از ماهنامه پیام یونسکو»  
و شماره آن آزاد است. مقالات پذیرفته نشده بازگردانده  
نمی‌شوند. مقالات بیان‌کننده اندیشه نویسندگان هستند و  
الزاماً منعکس‌کننده نظریات یونسکو و سردبیر مجله  
نستند. زیرنویس عکسها و عنوان مقالات توسط  
هیئت تحریریه تعیین می‌شود. مرزبندی نقشه‌های چاپ  
شده در مجله نظر رسمی یونسکو و سازمان ملل نیست.  
پیام یونسکو به صورت میکروفیلم و میکروفیش نیز منتشر  
می‌شود. علاقه‌مندان با آدرسهای زیر مکاتبه کنند:

(1) Unesco, 7 Place de Fontenoy, 75700 Paris. (2)  
University Microfilms (Xerox), Ann Arbor, Michigan  
48100, U.S.A.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی